



گفت‌وگوی تیش با پسر پولداری که سارق شد

میلیاردر کارت‌ن خواب

از آن بچه پولدارهایی است که هر چه بخواهد می‌تواند به دست بیاورد، از ماشین آخرین مدل تا سفر به دور دنیا. اما پدرزگار بود یا اشتباه خودش باعث شد به مواد مخدر روی آورد؛ موادی که نه تنها زندگی اش را به نابودی کشید بلکه باعث شد پدر او را از آن ارث میلیاردری محروم کند. حالا کارت‌ن خواب است برای این که بتواند پولی به دست آورد، از دیوارها بالا می‌رود و خانه‌های مردم را سرقت می‌کند. سارق جوانی که مدعی است در همان سرقت‌های اول به دام افتاد. در ادامه گفت‌وگوی تیش با این سارق رامی خوانید.

مجید غمخور
تیش

چه شد معتاد شدی؟

عشق. روزگار آدم را عاشقی نابود می‌کند. من اینجوری نبودم، دانشجو بودم و برای خودم برو و بیایی داشتم. تا این که يك روز دختر جوانی که منتظر خودرو در کنار خیابان بود را سوار کردم و باهم دوست شدیم. من دل به او باختم و در مجلس‌های شبانه‌ای که می‌رفت، او را همراهی می‌کردم. کم کم با انواع

مواد مخدر آشنا شدم و به خیال این که با کشیدن این مواد عشقم را به شیرین ثابت می‌کنم، معتاد شدم. اما خیلی زود متوجه شدم گول خورده‌ام. کار شیرین این بود که با بچه پولدارها طرح دوستی بریزد و آنها را به دام اعتیاد بکشانند. او عمدی سراغ بچه‌های پولدار می‌رفت چون می‌دانست پول خوبی را برای این کار خرج می‌کنند. من هم یکی از قربانیان

دزد

وقتی معتاد شدم

پدرم مرا از ارث

محروم کرد

و حالا اگر بفهمد

دزد شده‌ام

از زندگی

محروم می‌کند

دزد

شیرین بودم.

پسر ثروتمند با کارت‌ن خوابی چه رابطه‌ای دارد؟

اوایل خانواده‌ام از موضوع چیزی نمی‌دانستند و من هم از پول‌های توجیبی و پس‌اندازم مواد می‌خریدم. آن زمان به قدری شیفته شیرین بودم که حتی خرج مواد او و دوستانش را هم می‌دادم. اما پول‌هایم که ته کشید، سراغ پدرم رفتم. او که از این درخواستم بسیار تعجب کرده بود پیگیر شد که پول‌هایم را چه کرده‌ام. در نهایت دستم رو شد و او سعی کرد مرا ترک دهد. ولی فایده‌ای نداشت یا از کمپ فرار می‌کردم یا به محض بیرون آمدن می‌رفتم سراغ مواد و همه چیز به حال اولش برمی‌گشت. پدرم که با این شرایط روبه‌رو شد برای حفظ آبرویش و تنبیه‌ام، مرا از خانه بیرون کرد. سراغ شیرین رفتم و تصور می‌کردم او وقتی بفهمد پدرم مرا بیرون کرده پذیرایم می‌شود. اما برخلاف تصورم وقتی ماجرا را شنید مرا بیرون کرد. جایی برای رفتن نداشتم و به ناچار کارت‌ن خواب شدم.

چه شد دزدی را شروع کردی؟

مواد خرج دارد. آن بچه پولداری که هر چه می‌خواست به بهترین نوع در اختیارش قرار می‌گرفت حالا برای رسیدن به پول مواد باید دستش را داخل سطل زباله می‌کرد. در این کارت‌ن خوابی‌ها با پسری آشنا شدم که خرج موادش را از راه دزدی به دست می‌آورد. او پیشنهاد داد همراهش شوم و من هم قبول کردم.

سرقت‌ها را چطور انجام می‌دادید؟

به شیوه بالکن رویی. خانه‌هایی که کسی داخلش نبود را انتخاب می‌کردیم. از دیوار بالا می‌رفتیم و خودمان را به بالکن طبقه اول می‌رساندیم. از آنجا وارد خانه می‌شدیم و سرقت را انجام می‌دادیم.

با پول‌های سرقتی چه می‌کردی؟

برای من پول مهم نبود، مواد مهم بود. به همین دلیل دوستم در ازای پول به من مواد می‌داد و من هم نمی‌فهمیدم چقدر در این راه پول به دست آورده‌ام. من در جایی بزرگ شدم که پول هیچ معنایی ندارد اما روزگار مرا به اینجا کشاند.

الان قصد برگشت به خانه را نداری؟

تا قبل از این از ارث محروم شده بودم، حالا پدرم بفهمد دزدی هم کرده‌ام، مرا از زندگی محروم می‌کند.

خب بعد آزادی چکار می‌کنی؟

می‌خواهم زندگی سالمی را ادامه بدهم تا به پدرم ثابت شود گاهی می‌شود فرصت داد و کمک کرد تا فرد از راه اشتباهی که رفته دوباره به مسیر اصلی برگردد. [

کردم اما او این بار هم سرم کلاه گذاشت به این صورت که دختری عقب افتاده را به عقد من درآورد و از پدر و مادر دختر هم خواست که در قبال شوهر دادن دخترشان، ده هزار تومان به وی بپردازند. از روزی که زندگی زناشویی ما شروع شد پدرم مرتباً به من و او حرف‌های ضد و نقیض می‌زند. از يك طرف به من می‌گوید که این زن به درد تو نمی‌خورد و طلاقش بده. از طرف دیگر به زنم می‌گوید که من به درد او نمی‌خورم و طلاق بگیرد و با من ازدواج کند. من تحقیق کردم و فهمیدم پدرم چون خانواده زنم حاضر نشدند ده هزار تومان به او بدهند این نقشه را چیده است.

به هرحال من از روزی که زن گرفتم دست از قاچاق فروشی و دزدی کشیدم و با فروش سیگار و پیراهن و بلوز درآمد حلالی پیدا کردم و زندگی شرافتمندانه‌ای را شروع کردم اما نمی‌دانم پدرم از جانم چه می‌خواهد و چرا دست از سرم بر نمی‌دارد ولی به هرحال من از او شکایت می‌کنم تا مزاحم من و زنم نشود.

مجله جوانان
اردیبهشت ۱۳۵۷

پدرم ۵ زن عقدی و صیغه‌ای دارد ولی دست بردار نیست!

«پدرم می‌خواهد همسر مرا وادار به طلاق کند تا خودش با او ازدواج نماید در حالی که هم‌اکنون سه زن عقدی و دو زن صیغه‌ای دارد.»

این ادعای مردی است ۳۰ ساله که از پدرش شکایت دارد. او می‌گوید: ۲۹ سال قبل، زمانی که فقط يك سال داشتم پدر و مادرم از یکدیگر جدا شدند و پدرم از آن موقع تا امروز مرتباً زن گرفته و طلاق داده به‌طوری که تاکنون ۲۱ زن عقدی و صیغه‌ای گرفته که فعلاً با سه زن عقدی و دو صیغه‌ای زندگی می‌کند. به‌علت تربیت غلط من از کودکی به فساد کشیده شدم. با آن که یکی از برادران ناتنی مرا به مدرسه فرستاد و دو سال هم درس خواندم اما به تحریک پدر، به دزدی و توزیع مواد مخدر کشیده شدم و از مدرسه اخراج شدم.

در این مدت بارها به زندان افتادم تا ۱۸ ساله شدم و رفتم سربازی ولی پس از خدمت هم باز پدرم مرا وادار به قاچاق فروشی کرد. مدت‌ها دزدی کشیدم تا ۳۰ هزار تومان پول جمع کردم و دادم به پدرم که برایم زن بگیرد. و يك زندگی شرافتمندانه داشته باشم ولی او پولم را خورد. من دوباره دست به کار شدم و مبلغی جمع‌آوری

نظرات خوانندگان

علی حسن بیگی از شیراز: سلام، پیشنهادی کنم در صورت امکان از چاپ نظرات خوانندگان دریغ نکنید. تاکنون به کلیه نظرات خوانندگان احترام گذاشته و عمل کرده اید به جز ۶ صفحه شدن تیش، امیدوارم این مورد هم در آینده نزدیک عملی شود. تیش: هفته گذشته به خاطر مطالب مهم مطرح شده در یادداشت روز نتوانستیم از حجم آن کم کنیم. بخش نظرات از قسمت‌هایی است که هیچ وقت بنا به حذف آن نداریم. در مورد ۱۶ صفحه شدن تیش ما هم امیدواریم این اتفاق خوب دوباره رخ دهد.

احسان کریمی از تهران: مطالب «فوق العاده» جذاب است، چرا مثل قبل یک صفحه نمی‌شود؟ تیش: مشکل کمبود جا اجازه چاپ بیشتر از یک مطلب را به ما نمی‌دهد.

